

در ستایش نوشتن

وریا شریفی

چهاردهم تیر هشتاد و هفت

زمانی برتولت برشت شاعر، نمایشنامه نویس و نویسنده کارگری آلمان در قرن بیستم، در ستایش آموختن برای کارگران شعر سرود، بنظر می رسد امروز باید نوشتن را هم توصیف کرد. چرا که از طریق نگارش کارگران می توانند دردها، مشکلات، مصایب و راه درمان و خلاصی از این همه بلایای نظام سرمایه داری را به بیان کرده و از این راه با میلیونها هم طبقه ای خود ارتباط برقرار کنند.

شکل گیری ادبیات کارگری و پیدایش نویسندگانی که از وضعیت زندگی و مبارزه طبقه کارگر نوشتند، به زمانی بر می گردد که نطفه کارگرمزدی در نظام طبقاتی جدید، یعنی سرمایه داری بسته شد. تلاش برای زنده ماندن از طریق فروش نیروی کاروبه تبع آن، سرازیر شدن سود سرشار به جیب سرمایه دار، کارگر را به مبارزه روزمره و دایمی می کشاند. به عبارت دیگر فروشنده نیروی کار، بخاطر پیدا کردن کار، دستمزدی که مایحتاج خانواده اش را تامین نمی کند ودهها مصیبت دیگر، باید دست به مبارزه بزند و در این کشاکش با سرکوب هم مواجه می شود. بدین ترتیب در تاریخ مبارزه کارگران بر علیه نظام سرمایه داری، ادبیات کارگری بوجود می آید و نویسندگان کارگری چون ماکسیم گورکی، " در جستجوی نان" و "مادر" و یا امیل زولا " ژرمنال" را خلق می کنند.

امروزه همچنان نوشتن یکی از ابزارهای مهم بیان مصایب و مبارزه کارگران است. بدون شک هر کارگر آگاهی که توان، امکان و استعداد قلم بدست گرفتن را دارد و می تواند چیزی بنویسد، باید بی درنگ آنچه که روزانه بر او و هم طبقه ای هایش می گذرد را به تصویر بکشد و در نشریات و سایت های کارگری به انتشار برساند. چهره رنجور یک کارگر بیکار و یا افتادن کارگری از ارتفاع و مرگ دلخراش او، اعتصاب کارگران یک کارخانه برای دستیابی به مطالبات شان، و بسیاری مشکلات دیگر کارگران، که محصول نظام سرمایه داری است، شاید برای خیلی ها تکراری باشد و بی اعتنا از کنار آنها بگذرند؛ اما یک کارگر آگاه نباید این مسایل را بی اهمیت جلوه دهد و همان جا قلم و کاغذش را از جیبش بیرون بیاورد و بنویسد که چه اتفاقی افتاده و چه راهی برای پایان دادن به چنین وقایعی، وجود دارد. بیان و انتشار چنین مطالبی می تواند که کارگران دیگر را از وضعیت هم طبقه هایشان آگاه تر سازد.

بنابراین گام اول برای نوشتن، نوع نگاهی است که کارگر آگاه به اطرافش دارد. او خودکشی، اعتیاد، فحشا، سیه روزی، فقر و مبارزه را مشاهده می کند و ضمن روایت کردن این فجایع، به دنبال راهی که به این مصایب می توان پایان داد، نیز میرود و آن را تشریح می کند.

گام دوم این است که کارگر آگاه و فعال چگونه برداشتهای ذهنی خود را از واقعیات پیرامونی اش به روی کاغذ بیاورد. نوشتن هم مثل هر هنر دیگری، یک فن است و باید اصول اولیه ان را آموخت. برای این کار میتوان به کتابهای زیادی که در باره نوشتن و شیوه نگارش انتشار یافته مراجعه کرد و یا از کسانی که در این زمینه تجربه دارند، استفاده کرد. برای مثال، تیتو موضوعی که نویسنده انتخاب می کند، باید با مندرجات متن مطابقت داشته و حاشیه نرود و یا هر مطلبی باید

مقدمه، آغاز، پایان و نتیجه گیری داشته باشد و از لحاظ قواعد دستوری مثل پارگراف بندی و نقطه گذاری ویرایش شود؛ تا خواننده به راحتی مفاهیم، جملات و ارتباط آنها با یکدیگر را درک و هضم کند. علاوه بر این موارد و مهم تر از همه، نوشته ای که کارگر آگاه برای هم طبقه ای هایش منتشر می کند، باید ساده و روان و بدور از کلمات و عبارات های روشنفکری باشد، تا مخاطب راضی و پشیمان از آنچه خوانده است، نکند. نویسنده کارگر برای آگاه تر کردن همکاران و دوستان خود، باید بتواند با زبان خود آنها سخن بگوید.

با انتشار یک مطلب در سایت یا نشریه ای کارگری و مطالعه آن از طرف خوانندگان، عکس العمل های متفاوتی ممکن است نسبت به آن ایجاد شود و مورد نقد و بررسی قرار گیرد. کسانی از آن تعریف و تمجید و کسانی هم از آن انتقاد کنند و ایرادات متن انتشار یافته را زیر ذره بین قرار دهند. البته این امری کاملاً طبیعی است، چرا که جامعه و بطور مشخص طبقه کارگر، دارای گرایشات و نگرش های متفاوتی است و تنوع این دیدگاهها نسبت به رویداد های اجتماعی، ایجاب می کند که مباحث مطرح شده در این جنبش، مورد ارزیابی قرار گیرد و موضوعات مطرح شده نیز در بوطه نقد، میتواند پخته تر شود. بر این اساس، کارگر نویسنده نه تنها نباید از نقد و بررسی نوشته اش هر اسی داشته باشد، بلکه همچنین باید از انتقادات دوستانه و سازنده با آغوش باز استقبال کند و با حسن نیت آنچه را که بنظرش اشتباه کرده، بپذیرد؛ تا بتواند به فردی انتقاد پذیر تبدیل شده و از این طریق مطالب بعدی اش پربارتر شود.

نکته دیگری که لازم است اضافه کرد این است که در سایت ها و نشریات کارگری مطالبی در پاسخ به نوشته های دیگران، درج می گردد که اساساً با نقد کارگری و دوستانه منافات دارد. نوشتن کلمات، عناوین زشت و توهین آمیز نسبت به افکار و نگاه های دیگر، کار نویسندگان کارگر نیست و ارزش پاسخگویی ندارد. کارگران با تمام تنوع فکری که دارند، یک طبقه مشترک با دردها، رنج ها و اهداف مشترک هستند؛ بنابراین باید به فکر همبستگی و ایجاد رابطه انسانی و دوستانه باشند، تا زودتر بر مشکلات و مصایب خود غلبه کنند. پس کارگر آگاه قلم بدست، نوشته های اهانت آمیزی که به دنبال اهداف خاصی هستند را باید به حال خود بگذارد و از نقد های مفید و با ارزش استفاده کند. نقدهای سالم در چند ساله اخیر کم نبوده اند. یکی از نمونه هایی ارزشمند مطالبی از "غفور کشاورز" بود که سال گذشته درباره ی سبک کار در بعضی از سایت های کارگری انتشار یافت. این نوشته نمونه ای از یک نقد سالم است که میتواند الگویی برای منتقدین باشد. متن یاد شده، خواننده را وادار می کند که اگر نسبت به افکار نویسنده آن ایراد و یا اشکالی می بینند، به همان روش دوستانه و منطقی او، پاسخگو باشند.

امیدوارم که با این نکات مختصر که درباره نوشتن بر شمردم، کمکی به غنی تر شدن مطالب و متون دوستان کارگر در نشریات کارگری کرده باشم.

وریا شریفی

دوم تیر هشتاد و هفت